

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۶ ه.ق - ده شب در کربلا)

۱۴ آبان ۹۳

خطبه‌ی شب یازدهم

به نام آفریننده‌ی جان‌ها؛ پروردگاری که جان‌های مشتاق را اَبْهًا الْمُخْلِصُونَ نامید و به همگان عرضه داشت: آنان از پلیدی نفس اماره در امان هستند چون اخلاص، قلعه‌ی مستحکمی است که راه نفوذ هوای نفس را محدود می‌کند و حاصلش جانی است که شیطان در آن راهی ندارد و خداوند کریم زمین را برای خلیفگان خود آفریده و وعده فرموده وارثان آن نیز همان‌ها هستند و کسانی به سعادت خواهند رسید که در خدمت آنان باشند؛ خدمتی که خشنودی خداوند کریم و پیامبرش و جانشینش باشد ولی افسوس نام ملکوتیان را در ظرف جانش به هوسی می‌آراید که خود آن را می‌پسندد و برایش نوای عشق سر می‌دهد. پیامبر گرامی‌شان به تماشا می‌نشینند، ای وای بر امتی که مانند گوساله پرستان امت موسی (ع) بر گرد ساخته‌ی ذهنشان می‌چرخند و جواهرات وجودشان را در آتش گداخته ذوب می‌کنند تا نماد خودپرستی را معنا کنند. چه شده که پرچم اسلام در آتش عشقی می‌سوزد که عاشقان نامش مدعیانی هستند که آتش امیالشان پرده بر حقیقت هدایتش انداخته و آن را در بازار داد و ستد به بهایی اندک واگذارده است و کاروانی را که بر پشت شترهایش عزت عطایی خداوند را حمل می‌کند را به عجز و زبونی در افکار خود تبدیل کرده و برایش مرثیه خوانی می‌کند درحالی‌که از معصومین است که فرمودند: خداوند کریم وقتی از انوار جلاله‌ی خود در کالبد انسان‌ها دمید اول عضوی که بیدار شد سر انسان‌ها بود تا چشم بتواند از انوار جلاله نور بگیرد و هر چشمی که باز شد در مقابل خود خالق را دید که آنچه می‌خواسته برایش آفریده است؛ عاشوراییان در شکر از پروردگار، همین سر که با انوار هدایت آفریدگار خود شرف پیدا نموده بود را مجدداً به درگاه خالق خود پیشکش نمودند و پروردگار کریم فرمود: من این سرها را جایگاه رفیعی خواهم بخشید و آن سرها با اطاعت خالق خود شرفی بس بزرگ پیدا نمودند و شجاعت سر شهیدان کربلا گویای این عهد و پیمان بود.

سرور عالمیان حضرت زهراى مرضيه (س) چه زيبا فرمودند: شهيدان راه حق گوش‌هايى شنوا دارند و هر زباني که از حق آنان دفاع کند آن زبان را دعا مى‌کنند تا شرافت ذکر الهى پيدا کند و پروردگار کریم در قيامت آن را به سخن درآورد و آن زبان جز به تمجيد باز نشود مانند زبان حضرت زکريا (ع) که سه روز فقط به ذکر باز شد. در هر عصرى کسانى انتخاب مى‌شوند تا زباني گویا داشته باشند از گفتن حقيقت؛ اين زبان آرام نمى‌گیرد مگر با شهادت و شهادت است که او را برای ستودن آفریدگار خود ذکر مى‌گرداند پس هر بار که به يکتايى خداوند کریم شهادت دادید جاودانگى زبانتان را از يکتايى کریم تقاضا کنید.

بايد که دوستان و عزاداران اباعبدالله الحسين (ع) اين فرموده‌ى اسوه‌ى صبر و ايثار، حضرت زينب کبرى (س) را با اندیشه و باور و يقين آویزه‌ى گوش جان کنند که ایشان امروز در کوفه به ابن‌زيباد ملعون فرمودند: من غير از زيبايى چيزى نديدم و نشنيدم. اين پيام حضرت نه به روز عاشورا بلکه از زماني که اين نهضت از مدينه به رهبرى امام حسين (ع) شروع شد و در کربلا امام شهيد شد و رهبرى کاروان را امام سجاد (ع) بر عهده گرفت و کاروان از کربلا به کوفه و شام و به مدينه رسيد لحظه به لحظه، حرکت به حرکت، سخن به سخن، جز زيبايى چيزى را نمى‌توان ديد و شنيد؛ اين زيبايى به طوري است که اگر به واقع درک شود به شوقش تا قيامت چشم‌ها چون سيل اشک خواهند باريد. پس بايد که در مورد عزاداري‌هايمان و عمل‌هايمان، حتى دعاهايمان اندیشه کنیم و معنى و مفهوم کلمات را درست درک کنیم بعد آن را بر زبان جاري کنیم. چه زيبا و پر معنى است اين بيان که فرمود: شما زنده بودن با آل محمد و مردن با آل محمد را به عنوان تعارف از پروردگار کریم تقاضا مى‌کنيد و آن را به حساب دعا مى‌گذاريد درحالي که در کنار امامى زندگى مى‌کنيد که اعجازى از خلقت هستند و زنده بودن را در قرن‌ها معنى کرده‌اند و مردن را در حين زنده بودن به عرصه‌ى نمايش گذاشتند و شما درحالي که امام و رهبرتان در هر لحظه يحيى و يميت را در رسالت و امامت خود به زمان ثابت نموده است دعا مى‌کنيد که با آل رسول زنده باشيد و با آل رسول بميريد؛ نام اين دعا را چه مى‌گذاريد؟ نامش آرزوى بدون دليل و برهان است که هيچ منطقي ندارد. شما در کنار زنده‌ى واقعى مرده هستيد و آن وقت

مردن را در کنار آل رسول تقاضا می‌کنید. از اندیشه تهی شده‌اید، به کارهایی که می‌کنید و سخنانی که می‌گویید اندیشه نمی‌کنید؛ با کلماتی بازی می‌کنید که نتیجه‌ی عمل شما محسوب می‌شود و برهان قرآن کریم بسیار سنگین است: آنچه پروردگار کریم آفرید حق بود نه بازیچه و بسیار فرموده است که: پروردگار کریم زنده را از مرده و مرده را زنده خارج خواهد فرمود پس کسی که در کنار زنده‌ای که مغز زمان است مرده باشد چگونه از او زنده‌ای خارج خواهد شد و زنده‌ای که در واقع با جهالت مرده محسوب می‌شود چگونه از او زنده‌ای خارج می‌شود پس دعا، میقاتِ یقینی است نه تعارف مجازی و کسانی که با دعا به‌عنوان تعارف مجازی زندگی کنند در نامه‌ی اعمالشان دچار لهو و لعب هستند که عمرشان را به تعارف و بازی تباه کردند. انعکاس بازدم نفس امام عصر نوید شادابی و حیات جاودان است پس باید در حیات زمینی چنان در هدایت پروردگار کریم یعنی امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) باشیم تا در خطر مردن درحالی که نفس می‌کشیم قرار نگیریم پس باید همچون یاران امام حسین (ع) باشیم که در حیات زمینی‌شان در هدایت امام عصرشان زنده بودند و در عاشورا در یاری امامشان از آل رسول با شهادت از دنیا رفتند و مماتشان نیز در کنار امام عصرشان زنده‌ی ابدی پیدا کرده است.

برای رسیدن به این آرزوی مهم و بزرگ از خداوند به دعا می‌خواهیم:

اللهم عجل لوليک الفرج